

فهرست مطالب

دیباجه ۹

فصل اول

طلوع خورشید

- ۱۳ شناسه‌ی آفتاب
- ۱۴ ولادت
- ۱۴ کنیه و القاب
- ۱۵ مادر
- ۱۶ پرورش امام
- ۱۶ فرزندان
- ۱۷ همسر
- ۱۸ امامت

فصل دوم

ویژگی‌های اخلاقی امام صادق علیه السلام

- ۲۱ عبادت
- ۲۱ گذشت
- ۲۲ ارتباط با غیب
- ۲۲ آشتی‌دادن
- ۲۳ کمک به مستمندان
- ۲۳ مهمان‌نوازی
- ۲۴ همدردی با مردم
- ۲۴ زهد راستین
- ۲۵ عزت‌مندی

فصل سوم

جایگاه علمی امام صادق علیه السلام

- ۲۹ الف) مقام علمی امام
- ۳۰ بنیاد بزرگ علمی
- ۳۱ برخی آراء علمی
- ۳۱ ۱. پیدایش جهان
- ۳۲ ۲. تئوری نور
- ۳۲ ۳. عناصر آب و خاک و هوا
- ۳۳ ۴. بروز زلزله

۳۳	۵. ساختمان بدن انسان
۳۳	۶. علل برخی بیماری‌ها
۳۴	۷. بهداشت محیط زیست
۳۵	ب) تلاش‌های علمی امام
۳۵	اهمیت و جایگاه علوم دینی
۳۵	تخصصی شدن علوم
۳۶	ارزش‌گذاری علم
۳۷	۱. بیان ضرورت علم‌آموزی
۳۷	۲. تشویق به تفکر
۳۷	۳. ارج نهادن به دانشمندان
۳۸	نقش امام در توسعه علوم
۳۸	۱. قرائت و تفسیر تلاش‌های
۳۸	۲. کلام و عقاید
۳۸	۳. حدیث
۳۹	۴. عرفان
۳۹	۵. اخلاق
۴۰	۶. فقه
۴۰	شاگردان امام
۴۰	۱. زرارة بن اعین
۴۱	۲. بریدین معاویه عجلی
۴۱	۳. ابوحمزه ثمالی
۴۲	۴. حمران بن اعین
۴۲	۵. جابر بن یزید جعفی
۴۳	۶. صفوان جمال
۴۳	۷. هشام بن حکم
۴۴	۸. مفضل بن عمر جعفی
۴۵	۹. ابان بن تغلب
۴۶	۱۰. جابر بن حیان

فصل چهارم

اوضاع فرهنگی اجتماعی دوران امام صادق علیه السلام

۴۹	نگاهی اجمالی به اوضاع فرهنگی عصر امام صادق <small>علیه السلام</small>
----	---

۴۹	بستر شکل گیری مذهب جعفری
۵۰	برخورد با فرقه‌های منحرف
۵۰	الف) مُرَجَّه
۵۱	ب) مُعْتَزَلَه
۵۲	ج) غُلَات
۵۲	د) صائديه
۵۳	مناظرات علمی
۵۳	الف) ابن ابی العوجاء
۵۳	ب) عبدالله دیصانی
۵۴	ج) رؤسای معتزله
۵۵	د) ابوحنیفه

فصل پنجم

اوضاع سیاسی دوران امام صادق علیه السلام

۵۹	نگاهی اجمالی به اوضاع سیاسی حاکم
۵۹	امام صادق <small>علیه السلام</small> و خلفای بنی امیه
۵۹	۱. هشام بن عبدالملک
۶۰	۲. ولید بن یزید
۶۰	۳. مروان حمار
۶۱	قیام زید بن علی <small>علیه السلام</small>
۶۲	انقراض بنی امیه
۶۳	امام صادق <small>علیه السلام</small> و خلفای بنی عباس
۶۳	۱. سَفَّاح
۶۵	۲. منصور دوانیقی
۶۵	۱. قتل‌های مشکوک
۶۵	۲. گذاشتن افراد لای دیوار
۶۶	۳. شکنجه‌های هولناک
۶۷	قیام‌های علویان در عصر امام صادق <small>علیه السلام</small>
۶۷	۱. قیام محمد نفس زکیه
۶۸	۲. قیام ابراهیم بن عبدالله
۶۸	نقش ابو مسلم خراسانی

۶۹	نقش ابوسلمه خَلال
۷۰	موضع امام در قیام‌های علویان
۷۰	امام در بیعت با بنی‌عباس
۷۱	نقش عباسیان در شکل‌گیری مذاهب اهل سنت
۷۱	۱. حنفی
۷۱	۲. مالکی
۷۲	۳. شافعی
۷۲	۴. حنبلی

فصل ششم

شهادت امام صادق علیه السلام

۷۵	رفتارهای بی‌شرمانه‌ی منصور با امام
۷۷	شهادت امام
۷۷	وصایای امام

فصل هفتم

کلب‌رگی از آفتاب

۸۱	سخنان
۸۱	دو نور
۸۱	دو ترس
۸۱	غلبه بر نفس
۸۱	عزت‌مندی
۸۲	حقیقت دنیا
۸۲	طهارت در بستر
۸۲	حرمت مؤمن
۸۲	عظمت مؤمن
۸۲	ضرورت عقل
۸۲	علم
۸۳	کرامات
۸۳	علم به آینده
۸۳	خبر از نهان
۸۳	باطن آشکار مردم

سخن از بزرگ‌راهبر مذهب شیعه، امام صادق علیه السلام است. هموکه پرچم عزّت و اعتلای تشیع امامی، به‌دست اوست و این مذهب باشکوه، به نام او شناخته می‌شود. دوران امامت آن امام همام، مصادف با افول امویان و قدرت‌یافتن عباسیان گردید. امام صادق علیه السلام در دوران افول بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس، زعامت شیعیان را برعهده گرفت.

از ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد این دوره از حضور امامان، فضای باز فکری و آزادی نسبی سیاسی بود که دلیل اصلی آن، انتقال قدرت بین دو سلسله‌ی اموی و عباسی بود. باید انصاف داد که امام صادق علیه السلام بهترین بهره‌را از این موقعیت برای پیشبرد اهداف فکری و سیاسی شیعه بُرد و تا جایی که فرازونشیب‌های سیاسی به ایشان اجازه می‌داد، در این راستا گام برداشت.

بحث و گفت‌وگو بین ادیان، مذاهب، و فرقه‌های اسلامی و زایش و پیدایش نحله‌های فکری، از دیگر ویژگی‌های این دوران است. امام صادق علیه السلام به‌عنوان مطرح‌ترین و اصیل‌ترین فرد در جامعه‌ی شیعی آن زمان، برای پاسخ به دغدغه‌های فکری جامعه، پیشرو بود. در نهایت، تلاش‌های ایشان سبب شکوفایی فکری و سیاسی تشیع اثناعشری شد و موضع‌گیری‌های بجا و دقیق ایشان در مُنازعات سیاسی، از یک‌سو سبب مصونیت شیعیان امامی، از نظر فکری و عقیدتی گردید و از سوی دیگر موجب بقای آنان در طول مبارزات سیاسی گشت. ایشان، با بررسی دقیق جوانب سیاسی و فرهنگی، شیعیان را از

اقدامات مسلحانه عليه نظام سلطه -چه اموی و چه عباسی- بازمی‌داشت و از ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی بین شیعیان و خلفای جور، پیشگیری می‌کرد و بیش‌تر به تقویت پایگاه‌های فکری و عقیدتی تشیع می‌پرداخت. این مهم، سبب حفظ تشیع و شیعیان گردید.

مجموعه‌ی حاضر، نگاهی گذرا به زندگانی آن امام همام دارد. در این‌جا از زحمات خانم ذوالفقاری در گردآوری و نگارش مطالب کتاب از منابعی که در اختیار ایشان قرار داد. شده بود، قدردانی می‌شود. امید است این اثر مورد استفاده و بهره‌برداری مخاطبان قرار گیرد.

بمّنه و کرمه

ابوالفضل هادی‌منش

قم المقدسه

- نام:
جعفر
- کنیه:
ابوعبدالله
- لقب‌های معروف:
صادق، صابر، فاضل، طاهر، کامل، قائم، لسان‌الصدق
- نام پدر و مادر:
امام باقر علیه السلام، أم قروه رضی الله عنها
- زمان و مکان ولادت:
۱۷ ربیع‌الاول سال ۸۳ هجری - مدینه‌ی منوره
- زمان و مکان شهادت:
۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری - مدینه‌ی منوره
- مدت امامت:
حدود ۳۵ سال
- مرقد مبارک:
مدینه منوره، قبرستان بقیع
- خلفای مشهور اموی معاصر:
هشام بن عبدالملک (۱۰۵ - ۱۲۵ هـ.ق)
ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۵ - ۱۲۶ هـ.ق)
یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶ هـ.ق)
مروان بن محمد (۱۲۶ - ۱۳۲ هـ.ق)
- خلفای مشهور عباسی معاصر:
سفاح (۱۳۲ - ۱۳۷ هـ.ق)
منصور دوانیقی (۱۳۷ - ۱۵۸ هـ.ق)

ولادت

در صبح یکی از بهترین روزهای خدا، جمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجری امام جعفر صادق (ع) طلایه دار علم و معرفت، قدم به جهان خاکی گذاشت.^۱ میلاد این نوزاد خجسته، آن چنان پدر را شادمان ساخت که وی پس از تلاوت آیاتی از قرآن و ذکر و دعا فرمود: «ان شاء الله زندگانش مبارک است.»^۲ در تاریخ ولادت آن امام همام، اختلاف است، از جمله: پس از نیمه ربیع یا آغاز رجب سال ۸۰ هجری نیز وارد شده است،^۳ اما همان نظر اول مشهورتر است. و چه تقارن زیبایی است بین ولادت بسط دهنده‌ی معارف ناب اسلام با معدن و گنجینه‌ی اصلی این معارف، پیامبر اکرم (ص) در **مدینه**،^۴ همان شهری که نیاکانش به آن جا قداست بخشیدند. نوشته‌اند جعفر نام نهری در بهشت است،^۵ که از سوی خداوند در اختیار حضرت فاطمه (ع) قرار گرفت. همچنین نوشته‌اند نام گذاری امام صادق (ع) توسط جدش امام سجاد (ع) صورت پذیرفته است.^۶

کنیه و القاب

کنیه‌ی امام صادق (ع) ابوعبدالله است.^۸ آن بزرگ‌مرد، دارای القابی چون صابر، فاضل، طاهر،^۹ قائم، کامل، منجی،^{۱۰} قاهر، فاطر، کافل^{۱۱} بوده است که معروف‌ترین آن‌ها صادق است؛ چه گواه خوبی بر صدق امامت امام و کذب ادعای امامت دیگرانی چون جعفر کذاب! طبق نظر برخی بزرگان از جمله **شیخ صدوق**، این لقب به دستور

۱. اعلام‌الوری، ص ۱۷۲؛ الارشاد، ج ۲، ص ۹۷۱؛ تاریخ‌الائمہ، ص ۰۱؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱؛ تاج‌الموالید، ص ۹۱۱؛ المستجاد، ص ۰۲۴؛ دلائل‌الامامة، ص ۰۱۱؛ المناقب، ج ۳، ص ۹۷۳؛ مصباح کفعمی، ص ۱۹۶ و ۷۷۶؛ روضة‌الواعظین، ص ۲۱۲.
۲. المناقب، ج ۳، ص ۳۷۹.
۳. کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۷۶۳؛ اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۹۵۶؛ الفصول‌المهمه، ج ۲، ص ۰۲۹؛ تذکر‌الحفاظ، ج ۱، ص ۵۷۱؛ سیانک‌الذهب، ص ۱۴۳؛ وفيات‌الاعیان، ج ۱، ص ۷۲۳؛ مطالب‌السؤل، ج ۲، ص ۱۱۱؛ بنایب‌الموده، ج ۲، ص ۰۴۴؛ عمده‌الطالب، ص ۱۳۳.
۴. اعلام‌الوری، ص ۱۷۲؛ الارشاد، ج ۲، ص ۹۷۱؛ تاریخ‌الائمہ، ص ۰۱؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱.
۵. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۲.
۶. الارشاد، ج ۲، ص ۹۵۱؛ الاحتجاج، ص ۳۷۳.
۷. اعلام‌الهدایة، ج ۸، ص ۰۴.
۸. المناقب، ج ۴، ص ۱۸۲؛ روضة‌الواعظین، ص ۷۰۲؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹.
۹. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱؛ الامام‌الصادق، ص ۷۲؛ نورالابصار، ص ۲۲۲.
۱۰. الامام‌الصادق، ج ۲، ص ۵۰۱؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱.
۱۱. دلائل‌الامامة، ص ۱۱۱؛ المناقب، ج ۴، ص ۱۸۲؛ الفصول‌المهمه، ج ۲، ص ۱۱۹؛ مطالب‌السؤل، ج ۳، ص ۱۱۱؛ کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۱۴۳؛ روضة‌الواعظین، ص ۷۰۲؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹.

پیامبر اکرم ﷺ به همین منظور بوده که نام جعفر صادق علیه السلام با جعفر کذاب در دوران امام زمان علیه السلام اشتباه نشود.^۱ شگفتا که دانشمندان غیرشیعی هم او را با همین لقب خوانده‌اند و با تعابیری چون سید العلماء، وارث خیرالانبیاء، جعفر صادق و... وصفش نموده‌اند.^۲

مادر

بی‌شک، مادر امام نیز باید انسانی پاک باشد تا شایستگی مادری امام معصوم را خدا بر دوشش بگذارد. **أم‌قروه** مادر امام صادق علیه السلام به تقوا و پاکدامنی مشهور بود چنان‌که خود امام فرمود: «مادر من از زنانی است که ایمان [راستین] آورد و تقوای الهی پیشه ساخت و کار نیک انجام داد که خدا نیکوکاران را دوست دارد.»^۳ و چنان‌که مورخان نیز می‌نویسند: «**أم‌قروه** از تمامی زنان زمان خود باتقواتر بود.»^۴ او زنی باشرف، عالم و با جاه و جلال بود. به همین علت امام صادق علیه السلام را **ابن‌المکرمة** یعنی فرزند زنی باجاه و جلال نامیده‌اند.^۵

نسب کامل این بانوی برتر ام‌فروة بنت قاسم بن محمد بن ابی‌بکر است.^۶ یعنی او نوهی **محمد بن ابی‌بکر**، همان کسی است که در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام بزرگ شد.^۷ در عظمت علمی او از قول شخصی به نام **عبدالاعلی** آمده: «**أم‌قروه** را اطراف کعبه مشغول طواف دیدم، در حالی که با لباسی بود که گویا می‌خواست کسی او را نشناسد. او دست چپ خود را روی حجرالاسود گذاشت. مردی مخالف، به او گفت: دست چپ روی حجرالاسود گذاشتن خلاف سنت نبوی است. تو مرتکب اشتباه شدی! او پاسخ داد: لازم نیست که تو چیزی به ما بیاموزی، چراکه ما از دانش شما بی‌نیاز هستیم.»^۸ دایه‌ی امام صادق علیه السلام شیرزنی علوی‌نسب ملقب به **أم‌داود** است. **أم‌داود** مادر رضاعی امام صادق علیه السلام و فرزندش، برادر رضاعی امام است. وقتی که داود در زندان منصور

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۷۴؛ دلائل الامامة، ص ۱۱۱؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۹.

۲. طبقات الشافعية الكبرى، ج ۵۸؛ وفيات الاعيان، ج ۱، ص ۷۲۳؛ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۲، ص ۸.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۳۲.

۴. اثبات الوصية، ص ۸۷۱.

۵. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۲۲.

۶. طبقات الكبرى، ج ۵، ص ۵۹؛ المناقب، ج ۴، ص ۸۲؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۷. اعيان الشيعه، ج ۱، ص ۴۵۶؛ فی رحاب ائمه اهل البيت، ج ۲، جزء ۴، ص ۹۲؛ سرالسلسلة العلوية، ص ۴۳.

۸. اعيان الشيعه، ج ۱، ص ۶۵۹؛ فی رحاب ائمه اهل البيت، ج ۲، جزء ۴، ص ۲۹.

گرفتار شد، مادرش خدمت امام آمد و از او طلب کمک نمود. امام صادق (ع) دعایی به او آموخت که با خواندن آن گرفتاری‌اش رفع و فرزندش آزاد شد. این دعا به عمل آمد و معروف است^۱ که امروزه آن را در ایام اعتکاف ماه رجب، می‌خوانند.

پرورش امام

پرورش امام با همان خدایی بود که او را برای هدایت مردم و احیای سنت پیامبر (ص) فرستاد.

امام صادق (ع) حدود دوازده سال^۲ و بنابر نقل‌های دیگر سیزده^۳ یا پانزده سال^۴ نزد جدش، علی بن الحسین (ع)، زینت عابدان تربیت شد و پس از شهادت ایشان، در محضر پدرش امام محمد باقر (ع) به زندگی ادامه داد. امام صادق (ع) نقش بی‌بدیل پدر را این چنین بازگو می‌فرماید: «پدرم همواره نام و ذکر خدا بر لبش بود، حتی معاشرت‌های وی با مردم مانع یاد خدا نمی‌شد. او ما را گرد می‌آورد و وادار به ذکر و ثنای خدا می‌نمود و هرکس از اعضای خانواده که به قرائت قرآن آشنا بود، به قرائت و کسانی که آشنا نبودند به ذکر خدا مشغول می‌شدند تا این که آفتاب طلوع می‌کرد.»^۵ این پدر چنان در فرزندش اثرگذار بود که نوشته‌اند در سفرهای حج به همراه پدر، به سؤال‌هایی که از امام باقر (ع) می‌شد، او پاسخ آن‌ها را به جعفر بن محمد (ع) واگذار می‌فرمود.^۶

فرزندان

سیره‌نگاران، تعداد فرزندان امام را ۹ نفر برمی‌شمارند: اسماعیل، عبدالله، موسی الکاظم (ع)، اسحاق، محمد دیباج، عباس، علی، فاطمه و اسماء.^۷ برخی نیز تعدادشان

۱. مصباح کنعمی، ص ۷۰۴؛ مصباح المتعجد، ص ۵۵۹؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۰۷.
 ۲. اثبات الوصیه، ص ۳۴۲؛ اعلام الوری، ص ۳۷۶.
 ۳. همان، ص ۳۵۴.
 ۴. قصص الانبیاء، ص ۷۸۶.
 ۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۸۶.
 ۶. القطره، ج ۲، ص ۳۷۷.
 ۷. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۹؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۸۰؛ اعلام الوری، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۴۱؛ المستجد، ص ۴۲۳؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۶۵؛ تاج الموالمید، ص ۱۲۱؛ تذکره الخواص، ص ۴۳۴.

را شش^۱ یا هفت نفر^۲ نقل کرده‌اند و برخی یحیی و فاطمه صغری^۳ را نیز بر آن ۹ نفر اضافه نموده‌اند. فرزندان امام، درست‌کار، متقی و فاضل بودند که هرکدام سرنوشت خاصی داشتند، از جمله اسماعیل که از همه‌ی برادران بزرگ‌تر بود و امام علاقه‌ی خاصی به او داشت. او در زمان حیات امام از دنیا رفت و امام مرگ او را اعلام علنی کرد. طوری که عده‌ای که فکر می‌کردند پس از امام صادق علیه السلام، اسماعیل امامت را برعهده می‌گیرد، از عقیده‌شان برگشتند.^۴ فرقه‌ی اسماعیلیه منسوب به همین عقیده است. علی و اسحاق نیز از جمله معتقدان به امامت برادر بزرگوارشان امام کاظم علیه السلام بودند.^۵ محبوب‌ترین و پاک‌ترین فرزند امام، موسی‌الکاظم علیه السلام بود.

همسر

ایمان مرزها را درمی‌نوردد و لیاقت همسر امام شدن را به کنیزی از آن‌سوی مرزهای سرزمین اسلام می‌بخشد. **حمیده** مشهور به **حمیده‌ی بربریه** و **حمیده‌المصفا**، همسر امام صادق علیه السلام و مادر امام کاظم علیه السلام، کنیزی بود که توسط امام باقر علیه السلام خریداری و به امام صادق علیه السلام بخشیده شد.^۶ او بانویی فقیه و پرهیزگار بود که امام صادق علیه السلام بانوان را برای آگاهی از مسائل شرعی به او ارجاع می‌داد.^۷ لقب حمیده‌المصفا را امام صادق علیه السلام بر او نهاد.^۸ اگرچه در نسب او بین بربر، اندلسی، رومی و عجم اختلاف است،^۹ اما مهم آن است که امام باقر علیه السلام در بیانی او را «پسندیده در دنیا و ستایش‌شده در آخرت» خطاب فرمود.^{۱۰}

پاکی و پاکدامنی، گوهر وجود او بود، طوری که امام صادق علیه السلام درباره‌اش فرمود: «حمیده، پاکیزه از پلیدی‌ها و مانند تکه‌ای طلاست. ملائکه همواره از او مراقبت

۱. تاریخ ائمه، ص ۱۹.

۲. مطالب السؤل، ج ۲، ص ۱۱۷؛ فصول المهمة، ج ۲، ص ۹۲۹؛ کشف الغمہ، ج ۲، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۴۱. برخی نیز تعداد فرزندان حضرت را پنج نفر نام برده‌اند: شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۰۹؛ عمدة الطالب، ص ۲۳۹؛ دلائل الامامة، ص ۱۱۱.

۳. کشف الغمہ، ص ۳۷۵-۳۷۴؛ نفس المصدر، ج ۲، ص ۳۷۸.

۴. اعلام الوری، ص ۲۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۴۲.

۵. اعلام الوری، ص ۲۸۵-۲۸۴؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۸.

۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۷.

۷. الامالی، ص ۵۲۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۶۲.

۸. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۷۴؛ انبیا الوصیه، ص ۹۱؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۴۲.

۹. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۶؛ فی رحاب ائمه اهل بیت علیهم السلام، ج ۴، ص ۸۰؛ حیاة الامام موسی بن جعفر علیه السلام، ج ۱، ص ۴۳-۴۲.

۱۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۷.

می‌کردند تا کرامتی ازسوی خدا بر من و امام پس از من به دستم رسید.»^۱ عالمان شیعی نیز هرگاه از حمیده سخن گفته‌اند از وی به عظمت و بزرگی یاد کرده‌اند.^۲ از حمیده، دو روایت یکی در باب حج کودکان^۳ و دیگری درباره‌ی شهادت امام صادق (ع)^۴ در منابع حدیث، به‌یادگار مانده است.

امامت

امامت در بینش شیعه، منصبی الهی است که خدای بزرگ آن را به کسی که شایسته‌ی امامت بداند، عطا می‌کند، تا مردم با اتکا به او هدایت شوند. امام صادق (ع) در حالی که سالیان درازی در محضر جدّ و پدر بزرگوار خود پرورش یافته و خود نیز معصوم بود، در ۲۴ سالگی^۵ بر مسند امامت نشست.

بنابر روایات متعدد، امام باقر (ع) هنگام رحلت خویش، در حضور چندتن از یارانش، فرزندش صادق (ع) را به‌عنوان امام و وصی و جانشین خود خواند.^۶ بخشی از امامت امام ششم، همزمان با خلافت حکمرانان اموی و بخشی دیگر در زمان عباسیان سنگدل بود و با وجود سختی‌های بسیاری که بر امام روا داشتند، امام، همچون خورشید تابناک، به فروزش نور دانش‌های گوناگون پرداخت و امامت خود را بر همگان اثبات نمود.

محمدبن قیس از امام صادق (ع) می‌پرسد به چه نشانی می‌توان امامت او را شناخت؛ حضرت دست خویش را بر ستونی کشید، ستون در همان لحظه مانند درخت، برگ‌وبار آورد. آن‌گاه فرمود: «با این اعجاز می‌توان امام را شناخت.»^۷ در جای دیگر نیز فرمود: «ان عندنا خزائن الارض و مفاتيحها؛ خزائن زمین با کلیدهای آن در اختیار ما است.»^۸

۱. همان؛ المناقب، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۷۷؛ حیاة الامام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۴۱-۴۰.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۰۷.

۴. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۵. قصص الانبیاء، ص ۷۸۶.

۶. المناقب، ج ۴، ص ۲۷۸؛ الفصول المهمة، ص ۲۲۲؛ الارشاد، ص ۲۱۷.

۷. دلائل الامامة، ص ۱۱۲؛ مدینة معاجز الائمه الاثني عشر، ج ۵، ص ۲۱۸.

۸. دلائل الامامة، ص ۱۱۳؛ مدینة معاجز الائمه الاثني عشر، ج ۵، ص ۲۹۹.

عبادت، باشکوه‌ترین رفتار مخلوقات به درگاه خداست.

محمد بن زیاد آزدی یکی از شاهدان عبادت‌های امام است که این‌گونه آن را وصف می‌کند: «هرگاه نزد جعفر بن محمد علیه السلام می‌رفتم، یا روزه‌دار بود، یا مشغول ذکر خدا یا ایستاده در حال نماز. او از عبّادِ زهّادِ بزرگ و عالمیِ پرفیض بود. معرفت او به حدی بود که با آمدن نام جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله رنگ رخس تغییر می‌کرد، طوری که گاهی حتی کسانی که او را به‌چهره می‌شناختند، دیگر نمی‌شناختندش.» آزدی ادامه می‌دهد: «در سالی که همراه امام در حج بودم، دیدم هرچه امام خواست لبانش را به لبیک باز کند، نمی‌توانست. عرض کردم: ای پسر پیامبر! لبیک بگو! که ناچار باید بگویی. به من فرمود: ای پسر ابوعامر! چگونه جرأت گفتن این ذکر را داشته باشم، در حالی که می‌ترسم خدای بزرگ در جوابم بگوید: لا لبیک و لا سَعْدیک^۱».

گذشت

گذشت، میوه‌ی شیرین رفتار اسلامی است. این رفتار در سپهری امام ششم بسیار دیده می‌شد. او لغزش و اشتباه دیگران را با رأفت و رحمت پاسخ می‌داد. مردی به امام گفت: «من نزد پسرعموی شما بودم، اسم شما را آورد و به بدگویی و ناسزا درباره‌ی شما پرداخت.» امام صادق علیه السلام، پس از شنیدن سخنان وی، وضو گرفت و مشغول نماز شد. برخلاف گمان آن مرد که فکر می‌کرد امام می‌خواهد آن مرد را نفرین کند، امام روبه‌سوی آسمان کرد و عرضه داشت: «ای پروردگار من! این حق من بود اما او را بخشیدم، جود و کرم تو بیشتر از من است، او را ببخش و به کیفر اعمالش مجازات نکن.»^۲

فونه‌ی دیگر، گذشت و بزرگواریِ امام به خدمتکارش است. **حَفْص بن عایشه** نقل می‌کند: «امام او را برای انجام کاری فرستاد اما دیر کرد. وقتی حضرت جویای علت تأخیرش شد، وی را در گوشه‌ای در حال خواب پیدا کرد. امام بر بالین خدمتکارش نشست، در حالی که او را آهسته باد می‌زد. تا این‌که او بیدار شد. امام به او فرمود: تو نباید شب و روز بخوابی، تو هنگام شب آزاد هستی ولی در طی روز باید در اختیار ما باشی.»^۳ و باز هم بخشش بدون عوض امام. این بار در مواجهه با همسفر حج او:

۱. الخصال، ج ۱، ص ۱۶۷؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۶؛ الامالی، ص ۱۶۹؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۵؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲. منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۴۳؛ مشکات الانوار، ص ۲۰۴.

۳. المناقب، ج ۴، ص ۲۷۴؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۷۲؛ جهاد النفس وسائل الشیعه، ص ۱۳۴.



که به خاطر گم شدن هزار دینارش و عدم شناخت امام صادق (ع)، گمان بد به امام بُرد و بعد از پیداشدن سکه‌های خود، هزار دینار امام را پس آورد. اما امام به او فرمود: «ما چیزی را که داده‌ایم، پس نمی‌گیریم.»^۱ مرد پس از پرسوجو و شناختن امام، با این سخن به بزرگواری ایشان اقرار کرد که از کسی هم جز امام، انتظاری جز این نیست!

ارتباط با غیب

ارتباط امام صادق (ع) با ملکوت و عالم غیب، دلیل دیگری بر امامت آن بزرگوار است. علم آسمان‌ها و زمین و آیندگان، همه‌وهمه، هنگام اراده‌ی امام و به خواست خدای بزرگ، نزد امام حاضر می‌شود. **عائذبن نباته** می‌گوید: «خدمت امام صادق (ع) رسیدم و خواستم درباره‌ی نماز شب از ایشان سؤال کنم ولی فراموش کردم. ایشان فرمود: کسی که نمازهای واجب یومیه را بجا آورد، درباره‌ی نمازهای دیگر از او سؤال نمی‌شود، من به همین جواب اکتفا کردم و فهمیدم که امام از نیت من آگاه بوده است.»^۲

سَدیر صَبْرَفی می‌گوید: «برای آزمودن امام صادق (ع) یک دینار از اموالی را که از او نذرم بود برداشتم و بقیه را به ایشان دادم. امام فرمود: ای سدیر! چنین کردی اما منظور تو از این کار، بریدن از ما نیست! عرض کردم: جانم فدایت باد! مقصودتان چیست؟ فرمود: از حق ما برمی‌داری که ما را امتحان کنی؟! گفتم: آری، خواستم به درستی گفتار شیعیان علم پیدا کنم. امام بدون مؤاخذه فرمود: آیا نمی‌دانی که ما آن چه را بدان نیاز باشد، می‌دانیم؟ آیا این آیه را نشنیده‌ای که می‌فرماید: و همه چیز را در کتاب آشکار احصا کردیم!^۳ بدان که علم انبیاء در علم ما محفوظ و نزد ما جمع شده و علم ما از علم پیامبران است.»^۴

آشتی دادن

وجود پُر مهر امام صادق (ع)، چنان از محبت و صفا لبریز بود که برای آشتی دادن

۱. الخصال، ج ۱، ص ۱۰؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۴؛ ریاض‌الایثار فی مناقب الائمة الاطهار، ج ۲، ص ۱۳۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۰۶.
 ۲. اعلام‌الوری، ص ۲۷۴؛ من لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۷.
 ۳. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۲.
 ۴. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۳۰؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۲۷.



دو نفر، بودجه‌ای مخصوصی در نظر گرفته بود. امام به مُفَضَّل می‌فرمود: «هنگامی که بین دو نفر از شیعیان ما نزاعی می‌بینی از اموال من برای آشتی‌شان بردار تا با یکدیگر صلح کنند.»^۱

در حدیث دیگری، مردی^۲ می‌گوید: «من و دامادم بر سر میراثی نزاع می‌کردیم که مُفَضَّل به ما رسید. وقتی متوجه شد که دعوا و جدال ما به خاطر چیست ما را به منزل خود برد و با چهارصد درهم بین ما آشتی برقرار کرد. هنگامی که پول را پرداخت، گفت: بدانید که این از اموال من نبود، بلکه امام صادق (ع) به من دستور داده که هر گاه بین دو نفر اختلافی پیش آمد، با اموال ایشان بین آن‌ها صلح و آشتی برقرار کنم.»^۳

کمک به مستمندان

دستگیری از مستمندان و نیازمندان از ویژگی‌های خاص امام صادق (ع) بود. مُعَلِّی بن حُنَیْس نقل می‌کند: «شبى امام به طرف محله‌ی بنی‌ساعده که شب‌ها، فقرا در آن‌جا می‌خوابیدند، حرکت کرد. من نیز دنبال او بودم. در راه چیزی از دست امام بر زمین افتاد، فرمود: خداوندا! آنچه را افتاد به من برگردان. من جلو رفتم و سلام کردم. امام فرمود: معلی تو هستی؟ گفتم آری. فرمود: آنچه را پیدا کردی به من بده. بعد از کمی جست‌وجو، چند قرص نان پیدا کردم و به حضرت دادم. دیدم امام کیسه‌ای پر از نان به همراه دارد. گفتم اجازه می‌دهید من آن را بیاورم؟ فرمود: نه بهتر است خودم این کیسه‌ی نان را به دوش کشم. ولی به تو اجازه می‌دهم که همراه من بیایی. به محله‌ی بنی‌ساعده رسیدیم. امام با آن مقام و عظمت، خم می‌شد و کنار هر یک از فقرا یک یا دو قرص نان می‌گذاشت. بعد از آن بازگشتیم. پرسیدم: فدایت شوم! این‌ها حق را می‌شناسند؟ (آیا از شیعیان شما هستند؟) امام فرمود: اگر حق را می‌شناختند، بیش از این‌ها به آنان کمک می‌کردیم.»^۴

مهمان‌نوازی

امام صادق (ع) هر روز دستور می‌داد دو ظرف غذا که در هر یک، ده نفر غذا

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲. آن مرد، ابوحنیفه است.

۳. همان.

۴. منتهی‌الامال، ص ۲۴۴-۲۴۳؛ نواب‌الاعمال و عقاب‌الاعمال، ص ۲۷۷؛ الحیاء، ج ۲، ص ۳۳۳.

می‌خوردند، برای دیگران صبحانه فراهم کنند.^۱ او با گشاده‌رویی از مهمانان پذیرایی می‌کرد و به آنان اصرار می‌کرد بدون هیچ‌گونه خجالتی به مقدار کافی از سفره بهره‌مند شوند و برای تشویق‌شان می‌فرمود: «هرکس ما را بیشتر دوست دارد از این سفره بیشتر تناول کند و بهره‌مند شود.»^۲

همدردی با مردم

در مدینه، کمبود مواد غذایی احساس شد و قیمت کالاها بالا رفت. امام از خدمتکار خود پرسید: «قیمت‌ها بالا رفته است. چه مقدار گندم ذخیره داریم؟» او گفت: «ما برای ماه‌های زیادی ذخیره داریم.» امام فرمود: «گندم‌ها را ببر و در بازار بفروش و نیاز هر روز را، روزانه تهیه کن. از امروز، نصف نان خانه را از گندم و نصف دیگر را از جو تهیه نمائید. من توان آن را دارم که مصرف نان خانه‌ام را از گندم تهیه کنم، ولی دوست دارم که خدای سبحان مرا ببیند که چه نیکو سطح زندگی‌ام را تدبیر می‌کنم.»^۳ امام این کار را برای جلوگیری از احتکار و همدردی با مردم، انجام می‌داد. حتی نوشته‌اند، امام نخلستانی داشت پر از خرماهای رسیده که با دست خود می‌کاشت و با کمک دوستانش محافظت می‌کرد اما هنگام بهره‌برداری از محصول، دستور می‌داد تا قسمتی از دیوار را خراب کنند تا رهگذران بتوانند از خرماهای آن بهره ببرند و بدون مانع، وارد باغ شوند.^۴

زهد راستین

در دوران امام صادق (ع) بر شرایط فرهنگی-اقتصادی جامعه، رفاهی نسبی حاکم بود. امام صادق (ع) مثل سایر مردم از لباس‌های فاخر استفاده می‌کرد در حالی که روشی زاهدانه داشت.

سُفیان ثوری، صوفی مشهور، به امام صادق (ع) عرض کرد: «رفتار علی بن ابی‌طالب (ع) این‌گونه بوده که لباس‌های زبر و خشن می‌پوشید، چگونه شما لباس فاخر می‌پوشید؟»

۱. اعلام‌الهدایة، ج ۸، ص ۲۸.
 ۲. المبحسن، ج ۲، ص ۴۱۴؛ الکافی، ج ۶، ص ۲۷۸؛ روضة‌المتقین، ج ۷، ص ۵۴۵؛ الوافی، ج ۲۰، ص ۵۲۱؛ وسائل‌الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۸۴.
 ۳. فروع کافی، ج ۵، ص ۱۶۶؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۶۰؛ منابع فقه شیعه، ج ۲۳، ص ۳۵۱.
 ۴. اعلام‌الهدایة، ج ۸، ص ۲۶.

امام در پاسخ فرمود: «علی علیه السلام در دوران تنگنا زندگی می‌کرد، اینک که اوضاع زندگی گشایش پیدا کرده، نیکان زمان، در بهره‌وری از نعمت‌های خدا سزاوارتر از دیگرانند.^۱» سفیان قانع شد. فرد دیگری نیز نزد امام وارد شد و بعد از دیدن لباس‌های فاخر امام گفت: «این لباس‌ها، نه لباس تو و نه لباس پدران تو است!» امام صادق علیه السلام لباس‌های رویی خود را کنار زد و لباس پشمی خشنی را که زیر آن پوشیده بود به وی نشان داد و فرمود: «این لباس [زیرین خشن] را برای خدا و این [لباس فاخر] را برای شما پوشیده‌ام.»^۲ سپس امام برای نشان‌دادن نفاق سُفیان، لباس‌های رویی او را که لباس‌های خشن و زبری بود کنار زد و از زیر آن‌ها لباس‌های نرم و لطیف را نمایان کرد و به او فرمود: «تو لباس زهد را برای مردم و لباس نرم را برای خویش پوشیده‌ای!»^۳ امام در جای دیگر فرمود: «اگر علی علیه السلام زمان خودش این‌گونه لباس می‌پوشید انگشت‌ها می‌شد و بهترین لباس، لباس زندگی رایج مردم است.»^۴

عزت‌مندی

امام صادق علیه السلام در مقام امام، نماد عزّت و سربلندی است. **عبدالاعلی** می‌گوید: «در هوای گرم تابستان در مسیر مدینه، امام صادق علیه السلام را در حال تلاش مشاهده کردم به وی گفتم: با مقامی که شما در نزد خدا و خویشاوندی‌ای که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارید چرا این‌گونه خود را به زحمت افکنده‌اید؟ حضرت در جواب فرمود: تا از امثال تو بی‌نیاز باشم.»^۵

ابوعمر و شیبانی نیز می‌گوید: «امام صادق علیه السلام را در حالی که بیل به دستش بود در باغ دیدم که کار می‌کرد و عرق از بدنش سرازیر بود. به او عرض کردم: اجازه دهید من کار شما را انجام دهم، فرمود: من دوست دارم انسان در تلاش برای روزی، زیر گرمای آفتاب قرار بگیرد.»^۶

۱. رجال کشی، ص ۳۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۵۴؛ تحف العقول، ص ۵۵۷؛ الحیة، ج ۵، ص ۸۴.
 ۲. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۴۳؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۲۲۶؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۲۱؛ الحیة، ج ۶، ص ۲۳۸.
 ۳. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۳؛ رجال کشی، ص ۳۹۲؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۵۶ با کمی اختلاف.
 ۴. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۴؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۵۵.
 ۵. فروع کافی، ج ۵، ص ۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰؛ اصول کافی، ج ۵، ص ۷۴؛ مرآة العقول، ج ۱۹، ص ۱۷؛ عوالم‌العلوم، ج ۲۰، ص ۱۹۸.
 ۶. فروع کافی، ج ۵، ص ۷۶؛ الحیة، ج ۵، ص ۴۷۶.

الف) مقام علمی امام



جامعیت علمی امام صادق علیه السلام از دوران کودکی، چشم بیداردلان و حتی خفتگان از مسیر حق را خیره به خود ساخته بود. امام ده سال بیشتر نداشت که در جلسات علمی جد و پدر خود حاضر می‌شد و این در حالی بود که همه‌ی شرکت‌کنندگان بزرگان و دانشمندان بودند.

در یکی از جلسات، امام باقر علیه السلام مشغول تدریس بود و امام صادق علیه السلام با سنّ کودکی یا نوجوانی حضور داشت که ولید بن عبدالملک، خلیفه‌ی اموی وارد شد. او از دیدن امام صادق علیه السلام تعجب کرد و پرسید: «این کودک اینجا چه می‌کند؟» جواب شنید «او نیز از اعضای این مجلس است.» ولید با تعجب شروع به پرسیدن سؤالاتی از امام کرد، اندکی نگذشت که پاسخ‌های جامعی دریافت نمود و اقرار کرد که او در آینده از دانشمندان بزرگ خواهد شد.^۱

حسن بن زیاد می‌گوید: «شنیدم که وقتی از ابوحنیفه (پیشوای فرقه‌ی حنفی) سؤال کردند دانش چه کسی از همه بیشتر است؟ گفت: جعفر بن محمد علیه السلام». ^۲ او ادامه داد: «روزی منصور برای پایین آوردن مقام امام به من گفت: ای ابوحنیفه! مسائلی سخت آماده کن تا از جعفر علیه السلام بپرسی. من چهل مسأله آماده کردم و نزد منصور که در حیره بود، رفتم. جعفر بن محمد صادق علیه السلام سمت راست او نشسته بود به محض این‌که به او نگاه کردم، هیبت و ترسی وجودم را فراگرفت که حتی از منصور سنگدل ندیده بودم. سلام کردم و به اشاره‌ی منصور نشستم. او رو کرد به امام و گفت: ای اباعبدالله! این ابوحنیفه است. امام فرمود: آری او را می‌شناسم. سپس به من گفت: مسائل خود را از جعفر بن محمد علیه السلام سؤال کن. من سؤال می‌کردم و امام صادق علیه السلام جواب می‌داد که شما چنین می‌گویید در حالی که اهل مدینه چنان می‌گویند. نظر جعفر علیه السلام گاهی موافق و گاهی مخالف با اهل مدینه و گاهی هم مخالف با همه بود. چهل مسأله تمام شد در حالی که جعفر علیه السلام حتی جواب یکی از آن‌ها را ناتمام نگذاشت. ابوحنیفه می‌گوید: کسی بین مردم دانشمندتر از جعفر علیه السلام نیست.» ^۳

علم امام صادق علیه السلام دانشی جامع بود. امام به تمام جریان‌های فکری و عقیدتی روز،

۱. مغز متفکر جهان شیعه، ص ۴۷۶.

۲. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳. المناقب، ج ۴، ص ۲۵۵؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۱۷؛ الامام الصادق علیه السلام و المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۳۳۵.

اشراف کامل داشت. ایشان، موضع اسلام و تشیع را در برابر دیگر فرق و مذاهب به‌نحوی روشن می‌ساخت که برتری بینش اسلام بر سایر فرقه‌ها به خوبی نمایان می‌گشت.

شیخ مفید^(۵) می‌گوید: «علوم آن حضرت به حدی از مردم نقل شد که سراسر گیتی را به خضوع واداشت. به‌اضافه، آن مقدار که از او نقل شده از هیچ‌یک از ائمه علیهم‌السلام به ما نرسیده است و آنچه راویان حدیث و ناقلان آثار از او نقل کرده‌اند از دیگر علمای اهل‌بیت علیهم‌السلام نقل نکرده‌اند. شمار راویان احادیث آن حضرت، به چهارهزار نفر می‌رسد. دلایل روشن امامت امام صادق علیه‌السلام به حدی آشکار است که زبان مخالفان را از ایراد شبهات و سرزنش‌های ناحق لال نموده است.»^۱

شبلنجی از بزرگان اهل‌سنت، مناقب علمی امام را غیرقابل شمارش می‌داند و بسیاری از بزرگان اهل‌سنت^۲ را از روایت‌کنندگان احادیث حضرت برمی‌شمارد.^۳

امام صادق علیه‌السلام خود، درباره‌ی علم خویش، شهادت می‌دهد که این نیز دلیل دیگری است بر علم بی‌نهایت او که فرمود: «إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ؛ من به آنچه که در صلب مردان و رحم زنان است، آگاهم.»^۴

بنیاد بزرگ علمی

در آن هنگامه‌ای که حاکمان زورگو و کافران حيله‌گر به‌دنبال خاموش کردن چراغ اسلام بودند امام محمدباقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام بودند که توانستند پرده‌های ظلمت را یکی پس از دیگری کنار زده و پایه‌گذار و مجدد سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شوند. عصر امام صادق علیه‌السلام، دوران نهضت علمی اسلام بود چراکه برخی محدودیت‌های سیاسی رفع شده و به‌دلیل افول قدرت امویان، آزادی‌ای نسبی بر اندیشه‌ی اسلامی حاکم شده بود. امام صادق علیه‌السلام از این فرصت بهره‌گرفت و یک بنیاد علمی گسترده در وسعت علوم گوناگون مثل تفسیر، حدیث، عقاید، فقه، اخلاق، حقوق، طب، نجوم، فیزیک، شیمی و... پایه نهاد. امام به‌تنهایی بیش از چهارهزار شاگرد تربیت نمود.^۵ شاگردان برجسته این دانشگاه، شخصیت‌هایی بودند مانند: **آبان بن تغلب**، **هشام بن حکم**، **زُرارة بن أعین**، **هشام بن سالم**، **ابوحمزه ثمالی**، **جابر بن یزید جعفی** و... که شرح حالشان

۱. الإرشاد مفید، ج ۲، ص ۱۷۹؛ الشیعه فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۷؛ الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۸۶؛ ماذا فی التاریخ، ج ۸، ص ۱۹۶؛ الفصول المهمه، ص ۲۱۱.

۲. بیش از ۱۶۰ دانشمند سنی در منابع ذکر شده است. رک: به‌موسوعه الامام الصادق علیه‌السلام، ج ۱ و ۲.

۳. نورالایصار، ص ۲۲۲.

۴. المناقب، ج ۴، ص ۲۵۰؛ القطره، ج ۲، ص ۳۹۰.

۵. الارشاد، ص ۲۷۱؛ الامام الصادق علیه‌السلام و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۹.